Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research.
Vol. 12, No. 1, Spring 2022, 1-20
DOI: 10.21859/priw-120101

Jurisprudential examination of cover candidacy in elections (case study: Iran)

Saeed Karami[1]

Date received: 2021/01/11 **Date of acceptance**:2022/02/18

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

Abstract

According to the Constitution of the Islamic Republic of Iran, the government and the right of guardianship belong to God, who has pledged it through the people for their happiness. Relying on public opinion and governing the country based on the people's vote is explicitly stated in the constitution. Candidacy in elections is considered as a social commitment and contract. This commitment and contract must follow both the general rules of contracts and social contracts. Therefore, if the person is not serious in expressing his will and his presence is formal and preceded by collusion with the main candidate participating in the election, the structure of the contract is distorted. The formation of an obligation and agreement must be based on an explicit and clear will and be far from ambiguity, otherwise the issue of qualification and use of public resources will be negligible and the contract will not have legal effects.

Keywords: Elections, cover candidacy, formal contract, social contract, eligibility, Guardian Council

1. Assistant Professor of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran , karami.t54@pnu.ac.ir
Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6] [Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱، صص ۲۰ – ۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۱۰۱

بررسی فقهی حقوقی نامزدی پوششی در انتخابات (مطالعه موردی: ایران)

سعید کرمی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

چکیده

براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکومت و حق ولایت از آن خداوند است که آن را از طریق مردم برای سعادت آنان به ودیعه نهاده است . اتکای به آرای عمومی و اداره کشور بر اساس رأی مردم به صراحت در قانون اساسی بیان شده است .کاندیدا شدن در انتخابات حق اشخاص بوده و افراد نیز باید اوصاف قانونی مقرر را داشته باشند و در چارچوب های حقوقی وارد انتخابات شده و ثبت نام نمایند. نامزد شدن در انتخابات به مثابه تعهد و عقدی اجتماعی تلقی می شود.این تعهد وعقد هم از قواعد عمومی قراردادها و هم از عقود اجتماعی باید تبعیت کند . بنابر این هرگاه شخص در بیان اراده اش جدی نباشد و حضورش صوری و مسبوق به تبانی با نامزد اصلی شرکت کننده در انتخابات باشد ساختار عقد مخدوش است. تشکیل تعهد و توافق باید مبتنی بر اراده صریح و منجز بوده و به دور از ابهام باشد در غیر این صورت مسأله احراز صلاحیت و استفاده از منابع عمومی نیز بلاوجه بوده و عقد دارای آثار قانونی و حقوقی نخواهد بود.

واژه‌های کلیدی: انتخابات، نامزدی پوششی، عقد صوری، عقد اجتماعی ،صلاحیت ، شورای نگهبان.

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران karami.t54@pnu.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

مقدمه

شرکت در انتخابات آزاد و منصفانه از جمله روش های مشارکت سیاسی مردم در اداره کشور است.مسأله انتخابات از زمان تشکیل جمهوری اسلامی همواره به طور جدی مورد اهتمام مسئولان ارشد نظام بوده است.انتخابات در دوران جنگ تحمیلی و ناآرامی های داخلی کشور ودر هر شرایطی برگزار شده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی به موضوع انتخابات پرداخته و ابعاد آن را بیان کرده است.بر اساس قانون اساسی حکومت و حق ولایت ازآن خداوند متعال است که آن را از طریق مردم برای سعادت آنان به ودیعه نهاده است(اصل ۵۶ ق.ا.ج.ا.ا).

اصل ششم قانون اساسی اتکائ به آرائ عمومی و اداره کشوررا براساس رأی و نظر مردم به صراحت بیان نموده است و مسیر های آن را نیز انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و همه پرسی و نظایر آن قرارداده است.قانون اساسی درمقدمه ، فصل اول و در ۱۴ اصل به موضوع انتخابات توجه ویژه نموده است.

ماهیت حقوقی و فقهی کاندیدا شدن در قانون اساسی از عمومات فقهی و حقوقی تبعیت می کند. کاندیدا شدن برای انتخابات نوعی عقد و پیمان تلقی می گردد.برای صحت عقود و قراردادها قانون شرایطی رابیان نموده است که ازجمله آنها منجز و صریح بودن اراده شخص مبنی بر نامزد شدن در انتخابات و همچنین صوری و نمایشی نبودن ورود آن نامزد در انتخابات است . اصل ۱۱۶ (یکصدو شانزدهم) قانون اساسی تصریح نموده است که نامزد ریاست جمهوری باید آمادگی خود را رسماً اعلام نماید. بیان متن و فحوای اصل مزبور حکایت از اراده منجز و جدی و بدون ابهام در نامزد شدن انتخابات دارد. حال پرسش این است که هرگاه نامزد انتخابات ریاست جمهوری بیان کند که در انتخابات نقش " کمکی " و " پوششی " داشته و یا اراده اش مبهم باشد آیا شورای نگهبان می تواند صلاحیت وی را احراز کند و آیا عقد و قرارداد صورت گرفته معتبر و دارای اثر است؟ این نوشتار با توجه به قواعد فقهی و حقوقی نظیر قاعده العقود تابعه للقصود و اکل مال به باطل و تعلیق در عقود و اصول متعدد قانون اساسی به این پرسش پرداخته است .

الف)نامزدی در انتخابات بر اساس عمومات حقوقی

مفاد قاعده تبعیت عقد از قصد

این قاعده را به اعتبار کثرت فروع و وسعت دامنه کاربردی آن می‌توان از قواعد مهم در فقه و حقوق به

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

شمار آورد. نقش تعیین کننده اراده در عقد، نکته اساسی در این قاعده است که از مباحث مهم حقوقی نیز به شمار می‌رود.نه تنها فقهای شیعه به این قاعده مکرراً در ابواب مختلف استناد کرده‌اند، بلکه فقهای اهل سنت نیز همواره به این قاعده تمسك کرده و گاهی از آن به قاعده «الامور بمقاصدها» تعبیر کرده‌اند و برای اثبات آن به آیات نیز استدلال نموده‌اند. (ابن قیم جوزی، ۱۴۱۱ ، ج ۳، ص ۹۵)

اراده و قصد، نقش اساسی را در انشاء و تکوین عقد دارد و ایجاد التزامات ناشی از عقد در حقیقت از اراده عقدی نشئت می‌گیرد. قاعده «العقود تابعه للقصود» نزد فقهای شیعه، بیانگر این حقیقت است و فقهای اهل سنت نیز با تعبیرهای مختلف، این اصل را به‌طور اجمال پذیرفته‌اند. (ابوزهره، ۱۳۷۵ ق، ص ۲۵۰، و ابن تیمیه، ۱۴۰۸ ق، ج۳، ص ۲۳۶،)

فقهاو حقوقدانان اراده عقدی را به دو نوع باطنی و ظاهری تقسیم کرده‌اند:

۱. اراده باطنی

اراده باطنی همان حالتی است که از آن به نیت تعبیر می‌شود. نیت یا اراده باطنی دارای دو عنصر اساسی است: اختیار و رضا.

اختیار: عبارت از قصدی است که به یك امر مقدور که ممکن‌الوجود و العدم‌است، تعلق می‌گیرد و شخص مختار می‌تواند یکی از آن دو را برگزیند.

اختیار در عقد، به مجرد اراده اجرای لفظی عقد یا چیزی که می‌توان جایگزین لفظ باشد، حاصل می‌شود و به همین دلیل است که اختیار با هزل منافات ندارد ولی با اکراه جمع نمی‌شود.

رضایت: به آن حالت از اختیار گفته می‌شود که اشباع شده و به نهایت خود رسیده باشد و به آن حالت، میل و رغبت نیز می‌گویند.

حالت رضایت همواره شامل اختیار می‌شود اما البته عکس آن نیز صادق نیست؛ بنابراین رضایت با هزل سازگار نیست و با اکراه و خطا نیز جمع نمی‌شود.(البزودی، ۱۴۱۸ق، ج۴، ص ۱۰۵۰۳، ۱۳۹۷)

فقهای حنفی انعقاد عقد را منوط به اختیار دانسته و رضایت را شرط صحت آن شمرده‌اند(ابن تیمیه، ۱۴۰۸، ج۲، ص ۱۴۹، و ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج۲، ص ۲۳۷.) فقهای شافعی، مالکی و حنبلی اختیار و رضایت را متلازم شمرده‌اند و تحقق یکی از آن دو را بدون دیگری ممکن ندانسته‌اند.

بنابراین نظریه، عبارت و لفظ عقد باید به‌گونه‌ای ادا شود که حاکی از اختیار و رضایت باشد تابیان کننده اراده باطنی عاقد محسوب گردد(صبحی محمصانی، ۱۹۸۳ م، ج ۲، ص ۳۰.)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

۲. اراده ظاهری

اراده ظاهری عقد در حقیقت همان مفاد ظاهری لفظ است که بیان کننده قصد عاقد می‌باشد. از انجا که اراده ظاهری با لفظ عقد کشف می‌شود، می‌توان گفت که امری بسیط است و اختیار و رضایت در آن قابل تفکیك نیست.

می‌توان از اراده باطنی به قصد و از اراده ظاهری به لفظ تعبیر کرد. اما در مقایسه آن دو و تشخیص اینکه کدام بر دیگری حاکم و غالب است، اختلاف نظر وجو دارد.

برخی از فقهای اهل سنت اراده ظاهری (لفظ) را بر اراده باطنی (قصد) حاکم شمرده‌اند و در نتیجه حکم به صحت تصرفات ناشی از عقد کرده و آن را مقتضای ظاهر لفظ عقد دانسته‌اند. (السنهوری، ۱۹۵۳، ج ۱، ص ۸۴) برخی دیگر به دنبال دلیلی گشته‌اند تا مطمئن شوند اراده باطنی عاقد، همان مفاد ظاهری عقد است؛ براساس این نظریه در حقیقت اراده باطنی است که حاکم محسوب می‌شود(صبحی محمصانی، ۱۹۸۳م، ج ۲، ص ۳۰.)

۳. تطابق اراده باطنی و اراده ظاهری

تردیدی نیست که هرگاه تطابق دو اراده ظاهری و باطنی احراز شود، تمامی آثار شرعی عقد بر آن مترتب می‌گردد اما اگر چنین احرازی حاصل نگردد ممکن است دو حالت به وجود آید:

الف) اراده حقیقی و باطنی بر عقد وجود نداشته باشد که عقد صرفاً حالت صوری پیدا می‌کند مانند عقد مجنون، صبی غیر ممیز.

ب) وجود اراده حقیقی و باطنی مشکوك باشد که این حالت در مواردی پیش می‌آید که از آن به عیوب اراده یا عیوب عقد تعبیر می‌شود(همان، ص ۴۵۳.)

در عقد صوری ممکن است قرارداد به سه صورت زیر منعقد شود:

۱ ـ حالت تباین که ملاك آن توافق متعاقدین بر ظاهر عقد، بدون توجه به حقیقت عقد و مفاد واقعی آن است؛ مانند موردی که تظاهر به عقد یا اقرار صوری به آن می‌کنند یا با توسل به عقد ظاهری، اموال خود را از ظالم و سارق نجات می‌دهند. عقد صوری گاه در مقدار ثمن یا مهر تحقق می‌یابد درحالی‌که اصل عقد کاملاً حقیقی و با اراده باطنی صورت گرفته است؛ مانند مواردی که قصد تظاهر به مهر زیاد یا ثمن در میان است.

۲ـ عقد هازل که الفاظ عقد معانی دیگر منظور می‌شود و حتی ظاهراً نیز قصد برخورد معنی، وجود

فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

ندارد. (ابن عابدین، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۱۰۹.)

۳ـ عقد مجنون و مغمی علیه و صبی غیر ممیز که عبارت و لفظ عقد به نحوی باشد که قصدی بر آن تعلق نگرفته و لفظ بیانگر معنی مقصود نباشد، در هیچ کدام از آنها اراده حقیقی و باطنی عقد وجود ندارد؛ نظیر عقد کسی که به خطا لفظ عقد را به کار می‌گیرد یا از روی فراموشی آن را بر زبان می‌راند.

این موضوع می‌تواندبا صور ذیل قابل تحلیل باشد:

اول: عقد بدون اراده تحقق نمی‌یابد، همان‌گونه که فقها در شرایط عمومی عقود به آن تصریح کرده‌اند که تابع بدون متبوع وجود نمی‌یابد.

براساس این مفاد، عقد غافل ، هازل، غالط وشخصی که می داند در نهایت نمی خواهد عقد را منعقد کند که خود نوعی هازل تلقی می شودو قصد بر انشاء عقد ندارند، باطل است. قاعده «العقود تابعه للقصود» به این معنا، دارای کلیتی است که شامل همه عقود می‌شود و معنی آن شرطیت اراده و قصد در عقود و عدم تحقق عقد بدون قصد است. مفاد قاعده براساس این تفسیر شامل ملازمه وجودی بین تحقق قصد و تحقق عقد نمی‌گردد. این ملازمه را می‌توان به دو صورت مورد بحث قرار داد:

الف) ماهیت قصد ملتزم تحقق عقد است که یقیناً این ملازمه باطل است.

ب) قصد هنگامی که در عقد متعلق به چیزی می‌شود، معنای آن این است که عقد تحقق یافته و عقد در این قصد مؤثر است و بر این اساس مفاد قاعده چنین می‌شود: «هر چیزی که در عقد قصد شده است»،بنابراین عقد تابع آن معنای قصد شده است.

دوم: عقد تابع قصد است؛ به این معنا که عقد از اموری است که احتیاج به دو طرف ایجاب و قبول و دو شیء که عوض و معوض قرار بگیرد دارد؛ بعد از آنکه عقد با این ارکان به وجود آمد، هر عقدی دارای اثر خاص است؛ مانند تملیك عین یا تملیك منفعت یا توکیل و امثال آن و همچنین هر عقدی دارای اثر خاصی است؛ مانند فوریت، تراضی، لزوم، جواز، تنجیز، تعلیق؛ نهایت اینکه عقد دلالت و ماهیتش را مشخص می‌کند؛ مفاد عقد در این خصوصیات (اصول و فروع) تابع نوع قصد است، بنابراین هنگامی که عاقد یکی از این امور را قصد می‌کند، عقد هم بر آن امور دلالت خواهد کرد.

سوم: نوع هر عقدی با قصد مشخص می‌گردد؛ اگر شخص قصد بیع داشت عقد بیع واقع می‌شود و اگر قصد عاریه داشت، عقد عاریه و در صورت قصد هبه، عقد هبه تحقق می‌یابد.

براساس این مفاد، قاعده «العقود تابعه للقصود» به عقود اختصاص نداشته و شامل ایقاعات نیز می‌گردد و مفهوم آن دارای عقد ایجابی به معنی «ما قصد یقع» و عقد سلبی به معنی «مالم یقصد لایقع»

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

می‌باشد.(بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۱۱۸)

((علی کل حال تحقق هذه العناوین تابع لقصدها و بدون القصد لا تقع.... و ارادتهامع تحقق سائر الشرائط العقد.... اذ بدون القصد والاراده لا توجد ولا تتحقق)) مرحوم میرزا حسن بجنوردی تطابق قصد و عقد را لازم شمرده و نسبت به سائر شرایط و خصوصیات معامله یا شرایط ضمنی، آن را تابع عقد دانسته‌اند.(بجنوردی، ۱۴۱۹ ق،ج ۳،ص۱۱۷)

٤. کاربرد قاعده العقود تابعه للقصود

با توجه به مفاد قاعده «العقود تابعه للقصود» که می‌توان آن را در سه معنی زیر خلاصه کرد، موارد کاربرد قاعده را در قوانین و مقررات مورد ارزیابی قرار می‌دهیم:

مفاده قاعده: این قاعده به چند معنی می‌تواند قابل بحث باشد:

مفاد اول: برای تحقق عقد اراده باید ضروری و مسلم باشد.

مفاد دوم: عقد، تابع قصد است به این معنی که عقد از اموری است که با قصد مشخص می‌شود به این معنی که هر عقدی احتیاج به دو طرف ایجاب و قبول دارد و دو شئی که عوض و معوض قرار بگیرند.

مفاد سوم: نوع هر عقدی با قصد مشخص می‌گردد. اگر شخص قصد بیع داشت، عقد بیع واقع می‌شود و اگر قصد عاریه داشت عاریه تحقق می‌یابد. براساس این مفاد، قاعده «العقود تابعه للقصود» اختصاص به عقود نداشته و شامل ایقاعات نیز می‌گردد و مفهوم آن دارای عقد ایجابی به معنی «ما قصد یقع» و عقد سلبی به معنی «ما لم یقصد لایقع» است.(بجنوردی،همان ،ص۱۱۸و۱۱۹)

شرط اساسی برای تحقق عقد، بلکه تمام اعمال حقوقی، وجود قصد است. قصد همان اراده است که به اراده باطنی و ظاهری تقسیم شده است. اراده باطنی به تنهایی برای تحقق عقد کافی نیست بلکه لازم است به نحوی ظهور خارجی بیابد.

در این دیدگاه، معنی قاعده «العقود تابعه للقصود» شرطیت اراده و قصد در عقود و عدم تحقق عقد بدون قصد است. ماده فوق‌الذکر نیز بیانگر همین مطلب است و مفهوم مخالف آن چنین می‌شود که «عقد بدون قصد انشاء تحقق نمی‌یابد» مضافاً لازم است که قصد، بروز و ظهور خارجی داشته باشد که این همان اراده ظاهری است. برای تشخیص اینکه آیا عمل حقوقی از روی قصد تحقق یافته است یا خیر باید به شرایط اساسی صحت عمل شخص توجه کرد؛ از جمله اینکه شخص عاقل و بالغ و رشید باشد و عمل را در حالتی که مخل صحت اراده است، انجام نداده باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت آنچه را که

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

قصد کرده تحقق می‌یابد.

ماده ۱۹۵ قانون مدنی: «اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است.»

عقد بدون اراده تحقق نمی‌یابد. همان‌گونه که فقها در شرایط عمومی عقود به آن تصریح کرده‌اند که تابع بدون متبوع وجود نمی‌یابد. براساس این مفاد، عقد غافل، نائم، ناسی، هازل و مست که قصد انشاء ندارند باطل است. هر یك از حالات مستی و بیهوشی و خواب را می‌توان اماره‌ای بر عدم وجود قصد تلقی کرده و حکم به بطلان عقد داد.

ماده ۱۹۹ قانون مدنی : «رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست.»

ماده ۲۰۳ قانون مدنی : «اکراه موجب عدم نفوذ معامله است اگر چه از طرف شخص خارجی غیر از دو طرف معامله واقع شود.»

اختیار یکی از شروط صحت عقدی است که در مقابل اکراه قرار می‌گیرد؛ و منظور از آن طیب خاطر و رضایت عاقد است. عاقد مکره دارای قصد می‌باشد، اما قصد وی متعلق به لفظ است نه به مدلول و در چنین مواردی، عدم تطابق اراده واقعی و اراده ظاهری، به این دلیل است که عاقد قصد به مدلول لفظ عقد را ندارد؛ البته اکراه در معنای عام خود شامل اجبار نیز می‌شود؛ اما در معنای خاص، اکراه همان عدم قصد به مدلول لفظ است. بنابر فتوای مشهور فقهای شیعه هر گاه رضایت و طیب نفس برای مکره حاصل شود و پس از عمل اکراه شده به آن رضا دهد عقد یا ایقاع صادر شده از روی اکراه صحیح خواهد بود. لذا به همین دلیل است که معامله مکره غیر نافذ است نه باطل.

ماده ۲۱۸ قانون مدنی : «هر گاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین که طور صوری انجام شده آن معامله باطل است.»

معامله کننده باید قصد ایجاد یك رابطه حقوقی که دارای آثار خاص است داشته باشد، کسی که معامله‌ای را به طور صوری انجام می‌دهد در واقع قصد معامله کردن نداشته و معامله‌ای که فاقد قصد باشد در حقیقت پا به عرصه وجود نگذاشته است؛ «ماوقع لم یقصد» شخصی که معامله‌ای صوری انجام می‌دهد نه قصد باطنی داشته و نه قصد ظاهری او الفاظی را بر زبان جاری می‌کند بدون اینکه این الفاظ دارای هر گونه اثر حقوقی باشند. در مورد این ماده به نظر می‌رسد که باید گفت هر گاه معلوم شود معامله به طور صوری انجام شده، آن معامله باطل است خواه با قصد فرار از دین باشد یا به دلایل دیگر و در واقع صوری بودن علت اصلی بطلان است نه «قصد فرار از دین» چون اگر با قصد فرار از دین معامله

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

صحیحی انجام گیرد نباید حکم به بطلان آن داد. البته برخی معتقدندکه این ماده، مفهوم مخالف ندارد؛ یعنی نمی‌توان گفت معامله‌ای که بدون قصد فرار از دین به طور صوری یا با قصد فرار از دین به طورغیر صوری انجام شود صحیح و نافذ است.

ماده ۳۴۶ قانون مدنی : «عقد بیع باید مقرون به رضای طرفین باشد و عقد مکره نافذ نیست.»

بیع به عنوان یکی از مصادیق معاملات در این ماده اختصاصاً بیان شده است و می‌توان حکم ماده ۳۴۶ ق.م، را در سایر موارد تسری داد ، مثلا اجاره و ودیعه وعقود جمعی و ورودغیر منجز به عرصه انتخابات . امثال آن. در عقدی که از روی اکراه واقع شده است باید گفت انچه واقع شده مورد قصد قرار نگرفته است یعنی «ما وقع لم یقصد»؛ به عبارت دیگر اراده و قصد معیوب بوده و صلاحیت خلق اثار حقوقی تمام و کامل را ندارد اما رضای بعدی عاقد می‌تواند آن را کامل کند.

ماده ۳۶۱ قانون مدنی : «اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته بیع باطل است.»

دلیل حکم ماده فوق این است که در هنگام انشای عقد بیع، قصد متعلق چیزی واقع نگردیده؛ یعنی قصد، موضوع نداشته است و طبیعی است که چنین قصدی فاقد اعتبار است. همان‌گونه که می‌دانیم در عقد بیع لازم است که مبیع و ثمن معلوم و معین باشند؛ البته اگر مبیع کلی باشد لازم نیست که در هنگام انشاء عقد موجود باشد و عدم وجود آن در حقیقت موضوع بیع را منتفی ساخته و آن را فاقد اثر می‌نماید. به عبارت دیگر در این مورد آنچه قصد شده واقع نگردیده است «ما قصد لم یقع» و از انجایی که طبق قاعده «العقود تابعه للقصود»، عقد را تابع قصد می‌دانیم هر گونه خللی در قصد می‌تواند در عقد اثر بگذارد. حکم ماده ۳۶۱ را در سایر عقود نیز می‌توان جاری دانست؛ برای مثال اگر در اجاره مال معین معلوم شود که مورد اجاره وجود نداشته، عقد باطل است و همچنین است در رهن و ودیعه و ورود به عرصه انتخابات و امثال آن.

ماده ۶۶۳ قانون مدنی : «وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد.»

ماده فوق‌الذکر در واقع اشاره به جنبه دیگری از متعلق قصد طرفین در عقد وکالت دارد. گفتیم که عقد تابع قصد است و انچه قصد می‌شود در صورت داشتن تمام شرایط لازم محقق می‌گردد و هر چه که قصد نشده پا به عرصه وجود نمی‌گذارد. دلیل حکم ماده ۶۶۳ ق.م، این است که انجام اعمال خارج از حدود وکالت توسط وکیل متعلق قصد طرفین قرار نگرفته و لذا در حکم عمل فضولی تلقی می‌گردد و باید آن را غیر نافذ دانست. البته موکل می‌تواند با رضای بعدی به این گونه اعمال وکیل نفوذ حقوقی بخشد. زیرا وکیل تا زمانی که در محدوده عقد وکالت اقدام به عملی نماید، وکیل است و هر گاه خارج از آن محدوده عمل کند، کاملاً بیگانه می‌باشد و حکم فضول در مورد وی جاری می‌گردد. رضای بعدی موکل، اعمال

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

فضولی وکیل را وارد در محدوده قصد می‌نماید و این از آثار آزادی اراده است. مواد دیگری از قانون مدنی که می‌توانند به عنوان مصادیق قاعده «العقود تابعه اللقصود» تلقی گردند :

۵. عقد تعلیقی و متزلزل

تعلیق در لغت به معنی آویختن ، آویزان کردن چیزی به دیگر است (دهخدا، بی‌تا، : ۵۹۷۰) همان‌طوریکه در مادة ۱۸۹قانون مدنی نیز امده است: عقد معلق آن است که تأثیر آن برحسب انشا موقوف به امر دیگری باشد که آن امر را اصطلاحاً معلق علیه می‌نامند. هر عقد دارای آثار مخصوصی است که بلافاصله بعد از انعقاد آن عقد پدید می‌آید ولی طرفین می‌توانند بوسیله تعلیق پیدایش آن را بروجود امری دیگر منوط کنند. برخی از حقوقدانان بر این باورند که تعلیق عقد آن است که اثر حاصل از آن، که در همان حال عقد موجود می‌شود به علت نحوه مذاکرات طرفین، به‌طور ناقص ایجاد شود و زوال آن نقص، بسته به پیدایش عامل یا عوامل جدیدی باشد. پس چنین نیست که در عقد معلق آثار عقد در حین عقد محقق نگردد وگرنه لازم می‌آید که بین انشاء و منشأ فاصله زمانی حاصل شود، که این حتی در ایجاد موجودات اعتباری هم محال است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷،:۱۵) برخی فقها نیز گفته‌اند تعلیق عبارت است از اینکه عاقد اثر عقد را معلق بر چیز دیگری نماید نه اینکه به‌طور طبیعی اثر عقد معلق بر چیز دیگر شود چرا که به آن دیگر تعلیق گفته نمی‌شود بلکه تعلق است (المراغی، ۱۴۱۷هـ،: ۲۲۷)

تعلیق و شرط به گونه‌ای با یکدیگر در ادبیات حقوقی و فقهی متفاوتند. تعلیق موکول و وابسته کردن عقد به امر دیگری است به‌طوری که پیش از تحقق امر معلق علیه ، عقد به وجود نمی‌آید در حالیکه شرط، امری فرعی و متصل به عقد است که تشکیل عقد متوقف بر آن امر فرعی نیست بلکه عقد در زمان انشاء محقق می‌گردد و آثار آن را نیز با خود پدید می‌آورد. در بیان مفهوم شرط از عبارت «مشروط به اینکه» و برای تعلیق از واژه «اگر» استفاده می‌کند، به‌طور مثال معنی جمله «خانه‌ام را فروختم اگر ظرف یك سال برای من خانه بسازی» در معنای جمله اول فروش خانه و به تبع آن انتقال مالکیت موکول به ساختن خانه برای فروشنده است و اگر نسازد خانه مزبور فروخته نشده است. درحالیکه معنی جمله دوم این است که فروش خانه موکول به ساختن خانه برای وی نشده است و مالکیت از همان ابتدا به طرف مقابل منتقل می‌شود ولیکن ذمه خریدار اشتغال به ساختن خانه برای فروشنده هم می‌شود و به نوعی او متعهد به فعل می‌شود اگر خریدار امتناع کند از انجام تعهد ناشی از شرط، فروشنده می‌تواند با توسل به مراجع قضایی او را ملزم به ساختن خانه نماید. (شهیدی،۱۳۷۷، : ۷۰)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

۱. ۵ دیدگاه حقوقی

آیا تعلیق در عقد، تعلیق در انشاء است یا تعلیق در منشأ ؟در عالم طبیعت بین فعل و محصول فعل جدایی پیدا نمی‌شود و پس از انجام فعل اثر مستقیم آن بدون وابستگی به چیزی موجود می‌گردد مانند قرادادن یك فلز داغ بر روی دست که بلافاصله اثر خود که همان «سوزاندن» است را محقق می‌کند. اما در عالم اعتبار که ناشی از قرارداد و جعل معتبر است، نظام طبیعت در آن حاکم نیست، بنابراین هرگونه عمل حقوقی که مورد نیاز باشد و با مصالح جامعه و عدالت و نظم وامنیت عمومی تضاد نداشته باشد می‌تواند اعتبار و محقق شود. بنابراین نظریه غالب این است که تعلیق در انشاء را صحیح و معتبر نمی‌دانند. اما سؤال این است که اگر وضعیت تعلیق از قراین و اوضاع و احوال قابل استنتاج نبود، تعلیق را باید بر چه چیزی حمل کنیم. تعلیق در انشاء یا منشأ به تردید در تشکیل یا جزء توسل به قواعد و اصول حقوقی نیست بلکه تردید در تعلیق در انشاء یا منشأ در تردید در تشکیل یا عدم تشیکل عقد بر می‌گردد که مقتضای اصل، عدم تشکیل عقد یا بطلان آن یعنی حمل تعلیق به تعلیق در انشاء است (شهیدی، ۱۳۷۷، ج۱ : ۷۰)

ثمره این نزاع نظری در دیدگاه «کشف و نقل » خود را نشان می‌دهد. چرا که اگر انشاء معلق بر شرط باشد و وقوع منوط به شرط شده باشد دیگر نمی‌توان مدعی بود که پس از تحقق شرط، عقد از روز انعقاد مؤثر واقع می‌گردد و وقوع شرط کاشف از این است که اثر آن از هنگام تراضی بوجود آمده است ،ولی اگر تعلیق در منشأ باشد، برای تعیین ایجاد تعهد، تحلیل و قصد طرفین ضرورت دارد. زیرا در چنین صورتی آنان می‌توانند روز وقوع شرط را تاریخ ایجاد اثر عقد قرار دهند یا آن را مؤثر در گذشته سازند (و اثر قهقرایی داشته باشد) (کاتوزیان، ۱۳۷۴،:۱۵)

۲. ۵ ادله و اقوال فقها

فقها برای بیان بطلان تعلیق در عقد اعم از انشاء و منشأ دیدگاههای متفاوت و مختلفی ارایه نموده اند. برای بطلان عقد تعلیقی دلایل مختلفی ـ اعم از عقلی و شرعی ـ بیان شده‌است که عبارتند :

الف) ـ اصل استصحاب: استصحاب را «ابقاء ماکان» گویند. هرگاه عقد معلقی واقع شود مانند بیع معلق که مشخص نباشد که آیا این بیع قانوناً ناقل مبیع به مشتری است یا نه؟ و هم‌چنین مشخص نیست که بیع مذکور ناقل ثمن به بایع است یا نه؟ در این صورت براساس اصل استصحاب مالکیت، هر یك از متعاملین مالك همان مالی هستند که پیش از عقد بیع داشته‌اند. این نتیجه علامت بطلان عملی بیع است

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

،به عبارت دیگر بیع مزبور عملاً مانند یك بیع باطل است (بروجردی عبده، ۱۳۲۹هـ ، : ۱۵۶)

ب) عموم و اطلاق الفاظ وارده: تعلیق در عرف و عادات اجتماعی و در عقدهای مرسوم در بین مردم شایع نیست . عقد منجز متعارف و متعادل است نه عقد معلق. اطلاقات و عمومات صحت عقود، به عقد منجز منصرف است نه عقد معلق، بنابراین عقد معلق را باید صرفاً در موارد خاص و منصوص صحیح و معتبر دانست نه به طور کلی (نائینی، ۱۴۱۸هـ ، : ۱۱۲)

ج) صاحب عروة می‌گویداگر عقد معلق شده باشد بر شرطی که در آینده حاصل می‌شود باطل خواهد بود، خواه به نحو شرط مقارن باشد یا شرط متأخر و خواه آن شرط در آینده قطعی الحصول باشد یا مشکوک الحصول، (به نقل از کتاب النکاح، شبیری زنجانی، : ۲۴۶)

د) مرحوم شهید اول در کتاب قواعد آورده است که، انتقال ثمن و مثمن باید به سبب تراضی طرفین باشد و تا جزم و قطع نباشد، تراضی هم نیست و تعلیق با جزم منافی است. مبنای استدلال این است که وقتی عقد معلق باشد، معامله کننده، مصمم بر عقد نیست، پس رضا موجود نیست و انتقال مالکیت تحقق پیدا نخواهد کرد و عقدی بوجود نمی‌آید. (شهید اول، ۱۴۰۰ هق، : ۶۵)

ح) شیخ انصاری در کتاب مکاسب بیان داشته است که تعلیق با قصد انشاء نمی‌تواند وجود داشته باشد .بنابراین تعلیق نمی‌تواند در هیچ عقدی جایز باشد. مثلاً در عقد بیع اگر بایع حین اقدام به عقد بیع قصد انشاء نماید، باید اثر انشاء و ایجاد او بلافاصله در همان حین عقد به‌وجود آید حال آنکه تعلیق مانع می‌شود که اثر مزبور بلافاصله پس از عقد بوجود آید. (انصاری، ۱۳۷۴،: ۲۷۸و ۲۹۶)

ط) عمده دلیل مخالفان تعلیق، اجماع است. بنابر اجماع‌های نقل شده تعلیق در هیچ عقدی جایز نیست مگر آنکه شارع تصریح به صحت آن نموده باشد.(نجفی ۱۹۸۱م، :۲۵۳)

ی) امام خمینی(ره) در این زمینه می‌فرمایند آنچه را که بعضی از اعاظم عصر گمان کرده‌اند که «تعلیق در منشأ باشد نه در انشاء» دارای اشکال است؛ زیرا اشکال آن قیاس نمودن ایجاد اعتباری به ایجاد تکوینی می‌باشد که این قیاس مع‌الفارق است و لازمه ممتنع بودن تعلیق در معانی تصوریه تعلیق معقول نیست و ناگزیر باید به معانی تصدیقیه رجوع نمود.

حق این است که اگر قید رجوع به انشاء نماید، مطلقاً صحیح است و تعلیق در منشأ محل تردید است . (موسوی الخمینی ، ج ۱، ص ۳۴۷-۳۵۲). از این رو امام خمینی(ره) اساسا تعلیق در انشا را قبول نداشته و تعلیق در منشأ را به چالش کشیده اند.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

٦. قاعده أکل مال به باطل

نامزدی که قصد جدی برای ورود به انتخابات را ندارد و صرفاًدر قالب کمکی و پوششی است آیا می تواند از امکانات رسمی مثل صدا و سیما جهت تبلیغات استفاده کند و آیا رسانه ملی می تواند زمان معینی را برای وی که فاقد قصد جدی است اختصاص دهد؟در پاسخ به این پرسش می توان از آیه شریفه لا تأکلو اموالکم بینکم بالباطل (نسائ. ۲۹) قاعده منع و حرمت أکل مال به باطل را اصطیاد نمود. در منابع فقهی اسلامی به موازات تأکید بر اصل عدالت اجتماعی ونقش آن در سالم سازی جامعه بر بهره گیری صحیح از اموال عمومی و بیت المال به عنوان وسیله ای برای رسیدن به هدف ذکر شده است.در این آیه به صراحت و روشنی (أکل مال به باطل) مذمت و نهی شده است. أکل در آیه خصوصیتی نداردبلکه هرگونه تصرف و استفاده نا به حقی را در برمی گیرد.هرگاه شخصی قصد جدی برای ورود به انتخابات نداشته باشد و حضورش صرفاًکمکی و پوششی برای دیگران باشد این توافق و قرارداد از حیث عمومی نامعتبر بوده و بالتبع هرگونه بهره برداری از منابع رسمی و بیت المال از جمله تبلیغات در رسانه ملی غیر موجه و نامشروع جلوه نموده و أکل مال به باطل از حقوق و اموال عمومی است . استفاده از رسانه ملی برای نامزدهایی است که اراده جدی برای ریاست جمهوری داشته اند نه صوری.نامزدی کمکی و پوششی اقدامی غیرعقلایی،نامتعارف و از منظر حقوقی نامعتبر است.امین الاسلام طبرسی (ج۱/۱۳۴) و علامه طباطبائی (ج۱ /۶۹) در ذیل آیه مزبور آورده اند که ((و الاولی حمله علی الجمیع لان الایه تتحمل الکل)) آیه عمومیت دارد و همه مصادیق نظیر قمار وربا و سوگند دروغ و ربا و تصرف در اموال عمومی و انفال را شامل می شود. تحصیل رأی برای دیگران که مبتنی بر عقد و قرارداد نامعتبر باشد نیز شامل عمومیت آیه شده و غیر مجاز تلقی می گردد. در حکومت اسلامی هرگونه دخل و خرج تولید و توزیع و ورود به عرصه های اجتماعی و سیاسی باید با معیارهای صحیح و مشروع باشد وگرنه عقد باطل و بلا اثر است.

ب)انتخابات بمثابه عقدی اجتماعی

۱. تحلیل حقوقی حضور در انتخابات به مثابه تعهد عمومی اجتماعی

تغییر و صیرورت مفاهیم از حقوق خصوصی به حقوق عمومی آثار متعددی دارد.در قراردادهای خصوصی منعقده در حقوق کار هرچند قرارداد فیمابین دو شخص و یا اشخاص و کارگاه و کارفرما منعقد می شود،علی الاصول این قراردادها را باید در ذیل مبحث اجاره و رابطه اجیر و موجر و مستاجر

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

دانست ولی اکنون حقوق کار آن را در حوزه حقوق عمومی دانسته و به طور آمرانه قدرت کارفرما را محدود و نقش حمایتی از کارگر رادر پیش گرفته است .رابطه حقوقی کارگر و کارفرما از رابطه تعریف شده در حقوق مدنی فراتر رفته ودر قلمرو حقوق عمومی و رابطه دولت و کارفرما و کارگر تعریف شده است. با این وصف حضور انتخاباتی هم دارای وصف مدنی به مثابه عقد مدنی و هم عقدی است که دامنه آن به حقوق عمومی کشیده شده است.به عبارت برخی از صاحب نظران حقوق خصوصی در اشغال حقوق عمومی قرار گرفته است. حضور در انتخابات دارای آثار حیاتی در اداره حکومت است.انتخابات سرنوشت شهروندان را تحت تأثیر قرار می دهد. شهروندان با توجه به دیدگاههای نامزدهای انتخابات در پای صندوق های رأی حاضر و به اشخاص و رویکردهای آنان رأی می دهند.اگر حضور شخص از ابتدا در انتخابات غیرقطعی و بدون اراده صریح باشد آیا حاکمیت می تواند ابزارها و امکانات خودرا در اختیار آن شخص قراردهد؟و آیا صلاحیت وی باید مورد تأیید قرارگیرد؟آیا با قصد متزلزل و غیر روشن می توان وارد رقابت استمراری انتخابات شد؟

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۲ . مبانی انتخابات در قانون اساسی

قانون اساسی مهم ترین سند حقوقی کشور محسوب می شود. از مراجعه به اصول مختلف قانون اساسی می توان ناصحیح بودن قرارداد و عقد اجتماعی مبتنی بر عدم صراحت در عزم واراده انتخاباتی را به عنوان یک عقد اجتماعی تحصیل نمود:

۱ . عدالت اسلامی : قوه مجریه به دلیل اهمیتی که در رابطه با اجرای احکام و مقرارت اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. بدین جهت هرگاه شخصی از ابتدا به نحو صوری و یا تبانی با دیگری وارد عرصه انتخابات شود با عدالت اسلامی هماهنگی ندارد (مقدمه قانون اساسی ج.ا.ا مبحث قوه مجریه)

۲ . عقد صوری مظهری از فساد: در اصل دوم قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر پایه‌های ایمانی دانسته شده است . در اصل سوم قانون اساسی نیز دولت موظف شده است محیط مناسبی را برای رشد اخلاق و مبارزه با فساد و تباهی فراهم کند. شخصی که از ابتدا به نحو تبانی و صوری وارد انتخابات شده است عملاً نمی‌تواند در تحکیم و اجرای این دو اصل به نحو جدی وارد عمل شود و تبانی برخلاف میثاق ملی و قانون اساسی است.

۳. تعارض با اخلاق و باورهای دینی: اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی رئیس جمهور را

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

موظف به سوگند یاد کردن نموده است.در سوگند نامه آمده است که خود را وقف مردم و اعتلای کشور و ترویج دین و اخلاق نماید. بدون تردید هرگاه شخص قصد و عزم راسخ برای نامزد شدن انتخابات نداشته باشد، نمی‌تواند در احیاء اخلاق و باورهای دینی و اعتلای کشور بکوشد.

۴. تعارض خدمت به مردم با منافع گروههای خاص: در اصل ۵۶ قانون اساسی خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. این حق نمی‌تواند در خدمت فرد یا گروه خاص قرار گیرد. به‌نظر می‌رسد نامزدی پوششی در انتخابات به نوعی تضییق و تضییع حقوق مردم در جهت منافع فردی یا گروهی و جناحی خاص است و از این حیث با قانون اساسی در تعارض قرار می‌گیرد.

۵. مدبر بودن: اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی بیانگر اوصاف رئیس جمهور است. رجل مذهبی ، سیاسی و مدبر بودن از ویزگیهای رئیس جمهوری بیان شده است. بنابراین اگر شخص از ابتدا قصد جدی نامزد شدن را نداشته باشدتدبیر وی محل تردید است و نمی توان صلاحیت وی را در قامت ریاست جمهوری به عنوان مدبر و رجل سیاسی احراز نمود.

۶. ممنوعیت فریب و تخریب: بنابر سیاست‌های کلی ابلاغی انتخابات توسط مقام معظم رهبری، فریب و تطمیع در انتخابات از آغازین فرایند آن که با اعلام و نام نویسی شروع می‌شود تا آخرین مرحله انتخابات ممنوع می‌باشد. شخصی که از ابتدا به‌طور پوششی و کمکی وارد عرصه انتخابات می‌شود به نوعی دیگران را می‌فریبد و این فریب براساس بند ۵ سیاست‌های کلی انتخابات ممنوع است. (سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی ۱۳۹۵/۰۷/۲۴)

اصل ۱۱۶ قانون اساسی به صراحت از اعلام صریح اراده مبنی بر حضور در انتخابات سخن به میان آورده است بنابراین هرگاه اراده فرد متزلزل باشد و یا به امری خارجی معلق گردیده باشد، نمی‌توان آن شخص مردد را به‌عنوان کاندیدای واقعی تلقی نمود و به تعبیر حقوقی بر اراده متزلزل هیچ‌گونه امر حقوقی مترتب نخواهد بود و بلااثر است.

برای تحقق عقد به‌عنوان یك قرارداد اجتماعی لازم است که حتماً شخص اراده جدی برای انعقاد آن داشته باشد. عدم وجود اراده و یا اراده متزلزل موجب تشکیل نشدن عقد می‌شود. هرگاه شخص ورودش در صحنه انتخابات به‌عنوان میثاق و عقدی اجتماعی به نحو صوری باشد، عقد باطل و فاقد اثر حقوقی است. تزلزل در ارکان عقد موجب می‌گردد که ساختار و ساختمان عقد تشیکل نشود.

تزلزل در اراده و یا تردید در عقد اجتماعی، موجب تعلیق شدن عقد می‌گردد. عقد معلق حکایت از عدم عزم جدی دارد. برای ورود به عرصه انتخابات مانند هر عقد دیگر، باید عقد منجر باشد نه معلق

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

. اطلاقات و عمومات صحت عقود به عقد منجزّ منصرف است نه عقد معلق (نائینی، ۱۴۱۸،۱۴۱). صاحب کتاب شریف عروه نیز بر بطلان عقد غیر منجز و یا مشکوك الحصول تصریح نموده است (عروه، ۱۴۱۹، ۲۴۶) حضرت امام خمینی(ره)، نیز تعلیق در تصمیم و امر خارجی را صحیح ندانسته‌اند (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۹ ج ۱: ۳۵۲ ـ ۳۴۷).

ممکن است ایراد شود پس ائتلاف‌های انتخاباتی چگونه است، آیا آنها نیز باطل است و شورای نگهبان اساساً نباید وارد مرحله احراز صلاحیت آنها بشود، در پاسخ باید اظهار داشت که در ائتلاف‌های انتخاباتی همه اشخاص قصد جدی ورود به انتخابات داشته و به عبارت دیگر عقد محقق می‌گردد و عقد ساختارش شکل می‌گیرد چرا که هم قصد و هم اراده به صراحت اعلام می‌گردد و لیکن آنچه که مشروط است، میزان رأی آوری بالاتر اشخاص نسبت به یکدیگر است که ائتلاف مشترك دارند . در بیان همه فقها و حقوق‌دانان اعم از متقدمین و متأخرین عقد مشروط نافذ، صحیح و معتبر است. بنابراین در ائتلاف ارکان وساختمان عقد به صورت صحیح منعقد می‌گردد اما در عقد معلق اولاً اراده جدی وجود ندارد و قصد متزلزل است و ثانیاً تا معلق علیه بوجود نیاید عقد تشکیل نمی‌گردد.

بنابراین هرگاه رویدادی حقوقی نظیر ورود اشخاص به عرصه انتخابات از ابتدا متزلزل و معطوف به اراده جدی نباشد و به تعبیر اصل ۱۱۶ قانون اساسی صریحاً و منجزاً بیان نشود و دارای ابهام باشد، آن شخص عملاً ثبت نام و سایر مراحلش مخدوش و بلااثر است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

نتیجه گیری

قاعده تبعیت عقد از قصد از قواعد مسلم فقهی و حقوقی است.برای تحقق عقد، اراده باید مسلم و انشائی باشد.در تحقق عقد اراده ظاهری کافی نیست بلکه لازم است به نحوی ظهور خارجی اراده ابراز گردد. اراده صوری و غیر واقعی موجب بطلان عقد است.بر اراده مبهم و یا متزلزل اثر حقوقی مترتب نمی شود. بین عقد و قصد رابطه جدی باید وجود داشته باشد . در صورتی که شخصی خود را برای انتخابات نامزد کند اما قصد جدی برای ماندن در صحنه انتخابات نداشته باشد و اراده وی معطوف به حمایت از دیگری باشد بنابر نص اصل یکصد و شانزدهم قانون اساسی آن شخص را نمی توان نامزد انتخابات تلقی نمود. در اصل مزبور اراده منجز و قطعی برای نامزد شدن جزئ ارکان عقد به شمار رفته است.

تعلیق در عقود بنابر نظر مشهور فقها و حقوق دانان هرگاه ناظر بر انشائ باشد باطل است. در تعلیق در انشا عقد در نفس الامر شکل نمی گیرد وارکان عقد تشکیل نمی شود. تعلیق در نامزد شدن در انتخابات تعلیق در انشائ بوده و موجب بی اعتباری آن می گردد.

بر اساس قاعده فقهی حقوقی أکل مال به باطل چنین شخصی نمی تواند از رسانه های رسمی و ملی معین شده جهت تبلیغ استفاده کند زیرا این اقدام استفاده نا به حق از اموال و امکانات عمومی است و با معیارهای صحیح و مشروع حقوقی و فقهی سازگاری و تناسب نداشته و باطل است.احراز صلاحیت چنین شخصی بر اساس اصول متعدد قانون اساسی محل تردید است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

منابع :

۱. ابن تیمیه. (۱۳۱۴ق.) الفتاوی الکبری، لبنان: دار الکتب العلمیه.

۲. ابن عابدین. (۱۳۱۵ق.) حاشیه رد المختار، قم: دارالفکر.

۳. ابن قدامه، محمد. (۱۴۴۴ق.) المغنی، قاهره: دارالفکرالعربی.

۴. بن نجیم مصری، زین الدین. (۱۳۱۴ق.) البحرالرائق فی شرح کنزالدقائق، بیروت: دارکوب العلمیه.

۵. ابو زهره، محمد. (۱۴۱۵ق.) الملکیه و نظریه العقد، قاهره: دارالفکر.

۶. اصفهانی، محمدحسین. (۱۳۱۴ق.)حاشیه المکاسب، تحقیق شیخ عباس محمد آل سباع، الناشر المحقق المطبعه، المعلمیه، الطبعهاالولی.

۷. امام خمینی، سید روحاهلل. (۱۳۱۱ق.) کتاب البیع، قم: مؤسسه اسماعیلیان، الطبعه الرابعه

۸. ازاللبنانی، سلیم رستم. (۱۳۱۶ق.) شرح المجله، بیروت: داراحیاالتراث العربی.

۹. بجنوردی، سید حسن. (۱۳۱۳ق) القواعد الفقهیه، تحقیق مهدی مهریزی و محمدحسین دارینی، قم: نشر الهادی.

۱۰. بزودی، علی. (۱۳۱۴ق.) کشفاالسرار عن اصول فخراالسالم، بیروت.

۱۱. جوزی، ابن قیم. (۱۳۱۱ق.) اعالم الموقعین، لبنان.

۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر۱۳۷۸. (،ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ نهم.

۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۳۱۳ق.) تفصیل وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت.

۱۴. حسینی مراغی، میرعبدالفتاح. (۱۳۱۱ق.) العناوین الفقهیه، قم: مؤسسه نشرجامعه مدرسین.

۱۵. حلّی، یوسف بن مطهر. (۱۳۱۱ق.) تذکره الفقهاء، مکتبه الرضویه الحیاء آآلثار الحجویه المؤسس الشیخ عبدالکریم التبریزی.

۱۶. زحیلی، د. محمد. (۴۱۱۳م.) القواعد الفقهیه علی المذهب الحنفی و الشافعی، کویت: مجلس النشر العلمی جامعه الکویت، الطبعه الثانیه.

۱۷. سنهوری، احمد. (۱۳۵۴)مصادر الحق فی فقه االسالمی، بیروت: داراالحیاالتراث العربی.

۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۳۱۱ق.)االشباه والنظائر، بیروت: دارالفکر.

۱۹. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد. (۱۳۴۱ق.) کتاب المکاسب، تحقیق لجنه التحقیق تراث الشیخ االعظم، قم: مجمع الفکر االسالمی، الطبعه االولی.

۲۰. شهید اول، محمد بن مکی عاملی ۱۴۰۰، القواندو الفوائد، کتابفروشی مفید، چاپ اول.

۲۱. شیخ انصاری. (۱۴۱۳)المکاسب، قم: دهاقانی، چاپ سوم.

۲۲. شهیدی، مهدی ،۱۳۷۷تشکیل قرارداد ها و تعهدات، تهران: حقوقدان، چاپ اول

۲۳. طوسی، محمدحسن. (۱۳۱۱ق.)الخالف، تحقیق سید علی خراسانی، مؤسسه النشر االسالمی، الطبعه االولی.

۲۴. فروغی، سید علیرضا. (۱۴۳۶)منطق استنباط)اصول فقه(، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول

۲۵. کاتوزیان، ناصر.(۱۳۷۶)حقوق مدنی نظریه عمومی تعهدات، تهران: نشر یلدا، چاپ اول

۲۶. محقق نراقی، احمد. (۱۳۱۴ق.) عوائد االیام، قم: مکتبه بصیرتی.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]

۲۷. مراغی، عبدالفتاح بنعلی. (۱۳۱۱ق.)عناوین، قم: مؤسسه النشر االسالمی.
۲۸. ممحصانی، صبحی. (۱۳۴۴م.) النظریه العام للموجبات والعقود، بیروت.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۱۰۱

کرمی، سعید (۱۴۰۱)، «بررسی فقهی حقوقی نامزدی پوششی در انتخابات» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۲، ش۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۲۰-۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1401.12.1.1.6]